



فرهنگستان ها را یکی کنید

پنجاه و چهارمین شماره نشریه فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران با سرمقاله‌ای به قلم رضا داوری اردکانی و بخش‌های متنوع دیگری منتشر شده است. می‌توان مهم‌ترین اتفاق این شماره نشریه فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران را سرمقاله رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم دانست. این سرمقاله که با عنوان «فرهنگستان علوم و آینده اش» منتشر شده و داوری در آن نگاه تازه‌ای را ارائه داده است. داوری سرمقاله خود را با این پرسش آغاز می‌کند که «اگر از ما بپرسند که فرهنگستان علوم تا چه حد در ادای وظایف خود موفق بوده و چه می‌توانسته است بکند که تاکنون نکرده است و هم اکنون چه می‌تواند بکند، چه پاسخی می‌دهیم؟»

چرایی تاسیس فرهنگستان

او در ادامه با اشاره به این پرسش به گذر بیست و پنج سال از عمر فرهنگستان اشاره می‌کند و این مدت را برای شناسایی این سازمان و موسسه علمی که جمعی از بزرگان و نخبگان دانش کشور در آن گرد آمده‌اند، کافی می‌داند. داوری بر این مسأله تأکید می‌کند که «اگر حقیقتاً سازمان‌های علمی و فرهنگی و اقتصادی و صنعتی کشور، فرهنگستان را نمی‌شناسند و نشناختنشان از بی‌خبری است، لابد علاقه و نیازی به شناختن ندارند... ولی اگر مقصود از شناختن ناچیز دانستن نام و وجود فرهنگستان است، دولت که بودجه آن را تأمین می‌کند و مقام‌های دولتی که در هیأت امنای آن هستند و دانشگاه‌هایی که استادانشان عضو فرهنگستانند چگونه می‌توانند وجود و کار و بار آن را به چیزی نگیرند.»

داوری در ادامه به نکته ای مهم تر اشاره می کند که خود می تواند جای تامل بسیاری را برای مخاطب نکته سنج داشته باشد. داوری با این پرسش که «آیا وقتی فرهنگستان تشکیل شد ما چه نیازی به آن داشتیم؟» پاسخی می دهد که حاوی نکته بسیار مهمی است: «فرهنگستان را دولت تاسیس کرده و از ابتدا سازمانی وابسته به دولت بوده است. آیا دولت احساس کرده بود که جای سازمانی به نام فرهنگستان خالی است و مسائلی هست که فرهنگستان با ترکیبی از دانشمندان همه رشته های علمی می تواند آن ها را حل کند؟ به نظر نمی رسد که دولت چنین نیازی احساس می کرده است.»

داوری در ادامه به نحوه تعامل دولت با فرهنگستان می پردازد و می نویسد: «دولت در طی این بیست و چند سال هیچ نظر مشورتی از فرهنگستان نخواست و گاهی هم در نشریات فرهنگستان بعضی سیاست های علم نقد شده به آن وقعی نهاده نشده است.» و حرف آخر او در این بخش چنین است: «تا اینجا بنا بر این بود که حکومت و دولت نیاز مشخصی به فرهنگستان نداشته است و ندارد، پس چرا آن را تاسیس کرده است.»

ادغام فرهنگستان ها

داوری در سرمقاله بلند خود به نکته مهم دیگری نیز اشاره می کند. او این نکته را به عنوان یک «پیشنهاد عملی» مطرح کرده و می نویسد: «ما اکنون چهار فرهنگستان دولتی داریم. چرا این چهار فرهنگستان یکی نباشد.» شاید این پیشنهاد در نظر اول اندکی عجیب به نظر برسد اما زمانی که توضیح داوری را می خوانیم متوجه می شویم که او چندان هم بی راه نمی گوید: «تجربه خوب فرهنگستان علوم را در نظر آوریم که استادان رشته های مختلف علم با هم می نشینند و تبادل نظر می کنند. چرا این دانشمندان با پزشکان و اهل هنر و زبان و ادب همنشین نشوند. کشور مخصوصا به گفتگو میان اهل علم و ادب و فرهنگ و هنر نیاز دارد. پس چرا چهار فرهنگستان یکی نشود.» داوری در ادامه به مساله دیگری درباره پیشنهادش برای ادغام فرهنگستان ها با یکدیگر اشاره می کند: «با یکی شدن فرهنگستان ها به هیچ چیز و هیچ جا آسیب نمی رسد اما این ادغام فوائد اداری و مالی و علمی آشکار و مسلم دارد.»

جملات داوری می تواند آغاز یک تحول اساسی در جامعه علمی، ادبی، هنری و فرهنگی کشور باشد. تحولی که بدون شک با مقاومت های بسیاری روبرو خواهد شد اما می توان برای آینده علمی کشور راه تازه ای باشد.